

شفاف سازی تعریف معامله های نهانی از سوی دیوان عالی ایالات متحد

ترجمه: حمیدرضا گنجی

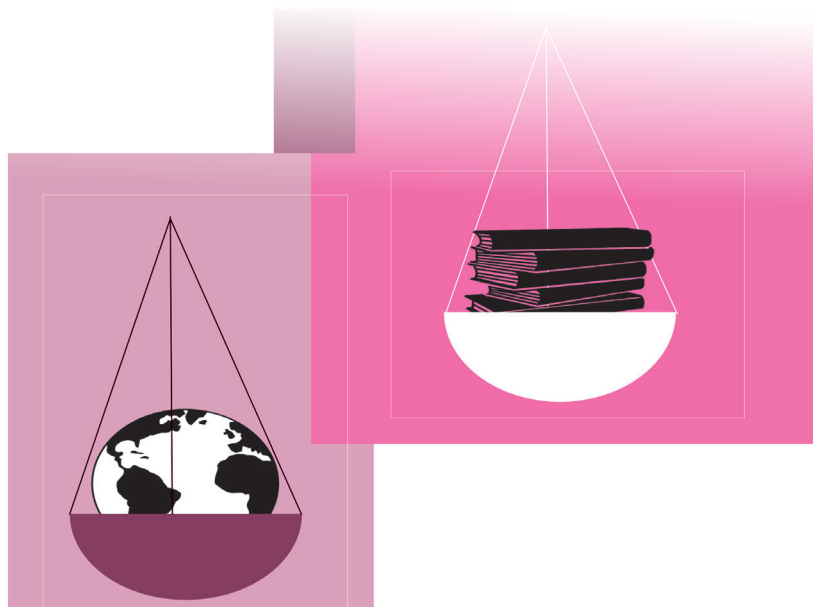
E.J. Shustak

(Salman) و ایالات متحد در دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹ در سان فرانسیسکو و در تاریخ ۶ دسامبر ۲۰۱۶، گرفته شد. تصمیم یادشده، با کاهش الزامها به دادستانها کمک می کند تا پرونده های معامله نهانی را طبق بخش ۱۰ (ب) قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۹۳۴ و همچنین مقررات ۱۰ ب-۵ کمیسیون بورس و اوراق بهادار، راحت تر حل و فصل کنند (براساس قانون و مقررات یادشده، معامله بر مبنای اطلاعات نهانی از سوی افرادی که بر حسب وظیفه نباید از آن اطلاعات برای نفع شخصی خود بهره برداری کنند، ممنوع است). تصمیم دادگاه عالی در خصوص پرونده سلمان، اختلاف دادگاه ناحیه های ۲ و ۹ را حل و استاندارد را که از زمان اعلام رأی پرونده نیومن (Newman) در سال ۲۰۱۳ در دادگاه ناحیه ۲ استفاده می شد، ملغی کرد (دادگاهی که نیویورک، کانون صنعت مالی را پوشش می داد).

حکم دادگاه ناحیه ۲ در پرونده نیومن در سال ۲۰۱۳، این بود که دادستانها باید ثابت می کردند چیزی بیش از اطلاعات نهانی ارائه شده بین انتقال دهنده اطلاعات

به تازگی پس از اولین بار در سال ۱۹۸۳ که دادگاه عالی ایالات متحد^۱ رأی خود را درباره پرونده دیرکس (Dirks) کمیسیون بورس اوراق بهادار اعلام نمود، بار دیگر این مسئله را روشن کرد که انتقال دهنده اطلاعات نهانی و غیر عمومی چگونه «منفعت شخصی» را باید از گیرنده اطلاعات^۲ دریافت کند تا علیه گیرنده اطلاعاتی که براساس اطلاعات نهانی معامله می کند، رأی صادر شود. تصمیم دادگاه عالی روشن می کند زمانی که شخصی دارای اطلاعات نهانی و غیر عمومی است و آن اطلاعات را به «خویشاوند یا دوست معامله گر» خود می دهد تا براساس آن اطلاعات، به معامله سهام بپردازد، صرف دادن همین اطلاعات نهانی و غیر عمومی، بدون وجود مدرکی دال بر این که گیرنده اطلاعات ارزش پولی آن اطلاعات را به انتقال دهنده اطلاعات داده باشد یا توافق کرده باشد که بدهد، کفایت تا یابندگان حقیقت (برای مثال، هیئت منصفه) به این نتیجه برسند که انتقال دهنده اطلاعات به وسیله انتشار آن اطلاعات نهانی، نفع شخصی برده است.

این تصمیم دادگاه عالی در پی پرونده سلمان



اطلاعات باشد و حتی هرگز قول چنین کاری را هم نداده است، نباید به جرم معامله نهانی محکوم شود.

ولی دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹ با استدلال سلمان مخالفت و اعلام کرد که صرف دادن اطلاعات نهانی به یک دوست یا خویشاوند حتی بدون دادن هرگونه قول یا انتقال ارزش پولی آن اطلاعات، برای اعلام جرم کفایت می‌کند. دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹ سلمان را محکوم کرد و از حکم محدودتری که دادگاه ناحیه ۲ در پرونده نیومن صادر کرده بود، پیروی نکرد.

با توجه به فوت قاضی اسکالیا (Scalia) و تعیین نشدن جایگزین برای او تا زمان تهیه این مطلب، دیوان عالی طی تصمیمی به اتفاق آرا (۸-۰)، بار دیگر تصمیم سال ۱۹۸۳ خود را در خصوص پرونده دیرکس تأیید و این رأی را صادر کرد که به صرف ارائه اطلاعات نهانی به یک دوست یا خویشاوند، مدرک کافی برای هیئت منصفه فراهم است تا بتواند دریافت‌کننده آن اطلاعات نهانی را مجرم بداند.

این تصمیم مبنایی برای آسودگی خاطر دادستانهایی است که می‌ترسیدند مبدا ماجرای پرونده نیومن باعث شود تا توانایی آنها برای تعقیب قضایی و پیروزی در پرونده‌هایی که اطلاعات نهانی از سر لطف و محبت و بدون دریافت هیچ‌گونه مابه ازای پولی برای آن اطلاعات، به دوستان یا خویشاوندان داده می‌شود، کاهش یابد. آشکار است هر شخصی که اطلاعات نهانی را دریافت و سپس براساس اطلاعات دریافتی معامله می‌کند، می‌داند که: ۱- این اطلاعات غیر عمومی و نهانی است و قرار نیست منتشر یا به اشتراک گذاشته شوند؛ و

۲- با معامله سهام براساس اطلاعات نهانی، گیرنده اطلاعات می‌داند که با ریسک پیگرد قانونی به علت معامله سهام براساس اطلاعات نهانی روبه‌رو است.



پانوشته‌ها:

- 1- Supreme Court
- 2- Tipper
- 3- Tippee

منبع:

Shustak E.J., The US Supreme Court Clarifies the Definition of Insider Trading- A Big Win for Prosecutors, www.shufirm.com, 2016

و گیرنده آن، ردوبدل شده است. دادگاه ناحیه ۲ در پرونده نیومن، گفته بود که باید ثابت شود گیرنده اطلاعات پول، هدیه یا هر چیز دیگری که ارزش مادی دارد به انتقال دهنده داده است. بنابراین، دادگاه اعلام جرم علیه نیومن را رد کرده بود؛ زیرا هیچ مدرکی وجود نداشت که ثابت کند گیرنده اطلاعات براساس اطلاعات نهانی و غیر عمومی معامله کرده و قولی برای پرداخت ارزش آن اطلاعات به انتقال دهنده اطلاعات، داده است. با وجود این، تصمیم اخیر دیوان عالی راجع به پرونده سلمان، تصمیم دادگاه پرونده نیومن در سال ۲۰۱۳ را ملغی کرد و به اختلاف بزرگی که بین دادگاه تجدیدنظر فدرال ناحیه‌های ۲ و ۹ بود، پایان داد.

ماجرای پرونده سلمان این است که وی به جرم نقض قوانین اوراق بهادار و به دلیل معامله سهام براساس اطلاعات نهانی که از برادر زن خود مایکل کارا (Michael Kara) دریافت کرده بود، تحت تعقیب قرار گرفت. مایکل کارا نیز اطلاعات نهانی و غیر عمومی را از برادر خود ماهر کارا (Maher Kara) دریافت کرده بود که یکی از کارکنان سابق بانک سرمایه‌گذاری سی‌تی‌گروپ (Citi Group) بود.

در دادگاه سلمان، ماهر کارا شهادت داد که اطلاعات نهانی یک شرکت سهامی عام را با برادرش مایل کارا در میان گذاشته و انتظار داشته که مایکل با این اطلاعات برای نفع مالی و شخصی خود نسبت به معامله سهام اقدام کند. همچنین، مایکل شهادت داد زمانی که اطلاعات نهانی را از برادرش ماهر دریافت کرده، اطلاعات را با شوهر خواهرش سلمان در میان گذاشته و خود سلمان نیز آگاه بوده که این اطلاعات نهانی در اصل از سوی ماهر ارائه شده است. در نتیجه، سلمان در دادگاه محکوم شد. استدلال سلمان در دادگاه تجدیدنظر این بود که براساس تصمیم دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۲ در پرونده نیومن، هیئت منصفه نمی‌تواند در غیاب مدارک و شواهدی که نشان دهند ماهر حداقل «سود مادی یا چیزی معادل ارزش آن اطلاعات، دریافت کرده است»، به این نتیجه برسد که ماهر کارا (انتقال دهنده اطلاعات) از بابت ارائه آن اطلاعات به سلمان (گیرنده اطلاعات)، نفع شخصی برده است.

در دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹، استدلال سلمان این بود که چون هرگز چیزی به ماهر نداده که معادل ارزش پولی آن